



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۸، دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۶

روش تحقیق آمیخته در قلمرو رویکرد پراگماتیسم؛

روشی برای پژوهش‌های جغرافیایی

عقیل خالقی

دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، ایران

Khaleghi567@tabrizu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۷

چکیده

در اواخر قرن نوزدهم یک روش فلسفی موسوم به پراگماتیسم در آمریکا به ظهور رسید. پراگماتیسم نوعی روش شناخت بوده و به‌عنوان فلسفه‌ای عمل‌گرایانه و واقع‌نگرانه از اهمیت زیادی برخوردار است. پیروان پراگماتیسم، در جغرافیای کاربردی تأکید بیشتری در زمینه جغرافیای انسانی دارند. برخی محققان با بازخوانی کارهای پراگماتیست‌ها، به بازتعریف اصول پارادایمی پرداختند. چون پژوهش آمیخته حاصل ترکیب روش‌های کمی و کیفی می‌باشد، پارادایم آن نیز می‌باید هر دو نوع روش پژوهشی را پوشش دهد که پراگماتیسم، راه را به روی شیوه‌های چندگانه، جهان‌بینی‌های متفاوت، پیش‌فرض‌های مختلف و همچنین شکل‌های مختلف گردآوری و تحلیل داده‌ها هموار کرد. بر این اساس، تحقیق حاضر به بررسی روش تحقیق آمیخته در قلمرو رویکرد پراگماتیسم (روشی برای تحقیقات جغرافیایی) پرداخته و ابتدا به متفکران بنیان‌گذار پراگماتیسم و دیدگاه‌های آن‌ها پرداخته سپس به اصول محوری آن و نیز مکاتب و رویکردهای تأثیرگذار پرداخته است. در ادامه به مورد توجه قرار گرفتن و ظهور مجدد پراگماتیسم در جغرافیا پرداخته و پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه تحقیق، تشریح شده است. پس از بررسی انتقادات وارده به این رویکرد، روش‌شناسی تحقیق آمیخته (ترکیبی) در قلمرو این مکتب شامل انواع استراتژی‌های شیوه آمیخته تبیین شده است. پس از نشان دادن گام‌های انجام طرح‌های تحقیق آمیخته، خلاصه‌ای از نمونه پژوهش انجام‌شده با روش آمیخته در حوزه پژوهش‌های روستایی آورده شده است.

واژگان کلیدی: پراگماتیسم، روش تحقیق آمیخته، پارادایم، جغرافیا، روستا

مقدمه

از سال ۱۹۷۰ به بعد، نگرانی‌های عمده‌ای در مورد روش علمی و مکتب عمومی اندیشه علمی اجتماعی که اصطلاحاً «فرمالیسم» (اثبات‌گرایی، پسااثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی منطقی) خوانده می‌شود، پدید آمده است. بر همین اساس، «جنگ‌های پارادایمی»^۱ بین محققان کمی (اثبات‌گرایی و پسااثبات‌گرایی) و کیفی (تفسیرگرایی، انتقادگرایی، فمینیسم و پست‌مدرنیسم) به این امید کنار گذاشته شده است که علوم اجتماعی معاصر از تقابل روش‌شناسی‌های کمی کیفی رهایی یابد. از این رو برخی محققان با بازخوانی تحقیقات پراگماتیست‌هایی چون پیرس، دیویی و بنتلی و با اتخاذ رویکردی نوپراگماتیستی^۲ و اجتناب از موضع‌گیری‌های تک‌پارادایمی به بازتعریف و مفهوم‌بندی دوباره اصول پارادایمی علوم اجتماعی پرداختند (نجفی اصل، ۱۳۹۳: ۱۴۸)، (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

البته تاریخ‌های وحشتناکی از آن دوران و زمان‌های بعدی وجود دارد که هنوز هم نیاز به یادگیری از آن است. همچنین ممکن است بی‌تفاوتی و حتی سوءظن ناشی از آن در درون محافل فلسفی اروپایی، به‌ویژه فرانسه، به وجود بیاید و از این رو از طریق بی‌تفاوتی پسا ساختارگرایی، بی‌تفاوتی نسبت به جغرافیای پسا ساختارگرایی به حساب آید. در این تاریخ یک «اراده به قدرت» خلاق وجود دارد که به یک مبانی اساسی عمل‌گرایی تبدیل می‌شود. جهان ساخته می‌شود، آشکار نمی‌شود و پذیرفته نمی‌شود. وست^۳ (۱۹۸۹) این را ناشی از اثر امرسون^۴ می‌داند که به نفس اسطوره‌ای^۵ علاقه‌مند بود که در قرن نوزدهم در آمریکا ساخته شود (Jones, 2008: 1601).

در اواخر قرن ۱۹ یک روش فلسفی موسوم به پراگماتیسم در آمریکا توسط بعضی از متفکران (ویلیام جیمز، چالرز سندرس پیرس و جان دیویی) به ظهور رسید. به نظر این متفکران پراگماتیسم انقلابی است علیه ایدئالیسم و کاوش‌های عقلی محض که هیچ فایده‌ای برای انسان ندارد درحالی‌که این فلسفه روشی است در حل مسائل عقلی که می‌تواند در سیر ترقی انسان بسیار سودمند باشد. این روش فلسفی همچون انقلابی بود علیه سیرت و سنت بی‌حاصل در مدارس آمریکایی و سیرت و سنت بیهوده مابعدالطبیعی که در اروپای آن موقع در حال جلوه‌گری بود. اصحاب مصلحت عملی دریافتند که روش و نظریه‌شان در حل مسائل عقلی و در پیش بردن سیر ترقی انسان سودمند تواند بود (حاتمی‌نژاد و اکبرپور، ۱۳۹۰: ۲۵). رویکرد پراگماتیسم درصدد یافتن زمینه‌ای معتدل بین جزم‌اندیشی فلسفی و ارائه راه‌حلی جهت غلبه بر مسائل برجسته فلسفه عمومی علم است. این رویکرد گزینه‌های تقابل‌گرایانه سنتی «یا این یا آن» مانند خردگرایی تجربه‌گرایی، واقع‌گرایی-ایدئالیسم، اراده-جبر، نمود-واقعیت، حقایق-ارزش‌ها، عینیت-ذهنیت و نظایر آن رد کرده و

-
1. Formalism
 2. Wars of Paradigms
 3. No-Pragmatism
 4. West
 5. Emerson
 6. the mythic self

تمایز تاریخی - معرفتی بین شناسا و شناخته را با تعامل طبیعت‌گرایانه محیط ارگانیک فرآیند محور جایگزین می‌سازد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۵۴۰).

خاستگاه پراگماتیسم

چارلز سندرز پیرس^۷، ویلیام جیمز^۸ و جان دیوی^۹ (شکل ۱) معمولاً متفکران بنیان‌گذار محسوب می‌شوند. ایده‌های اصلی پیشین از امرسون^{۱۰} و سایر روایات فلسفی و ایدئولوژیکی به‌ویژه کار میل^{۱۱}، لودگرایی، لیبرالیسم و دموکراسی، فلسفه فرآیند و ایتهد و برگسون^{۱۲} و مثبت‌گرایی منطقی گرفته شده است. به نوبه خود، پراگماتیسم متعاقباً بر چندین نویسنده اصلی و حرکات فلسفی تأثیر گذاشته است. اغلب گفته می‌شود که ویتگنشتاین^{۱۳}، نیچه^{۱۴} و هایدگر^{۱۵} و به‌طور کلی پساساختارگرایان تمایلات و گرایش‌های عمل‌گرا را نشان می‌دهند (Jones, 2008: 1601).



شکل ۱: متفکران بنیان‌گذار پراگماتیسم: چارلز سندرز پیرس، ویلیام جیمز و جان دیوی

مقاله اصلی که پیرس از آن یاد می‌کند در دست نیست، اما مقالات مشروح‌تر او مقاله تثبیت عقیده (۱۸۷۷) و چگونه تصوراتمان را واضح‌سازیم (۱۸۷۸) است. وی در مقاله نخست خود «نظریه تحقیق» را بیان می‌کند که چهارچوب اصلی

-
7. Charles Sanders Peirce
 8. William James
 9. John Dewey
 10. Emerson
 11. J. S. Mill
 12. Whitehead and Bergson
 13. Wittgenstein
 14. Nietzsche
 15. Heidegger

پراگماتیسم اوست و در آن از چگونگی شکل‌گیری عقاید، سنت‌ها و رفتارها بحث می‌کند و در مقاله دوم برای اولین بار اصطلاح «اصل پراگماتیکی»^{۱۶} را به صورت کتبی به کار می‌برد. او در سال ۱۸۷۱ در انجمن مابعدالطبیعی کمبریج ماساچوست این اصل را ارائه نمود و شفاهاً آن را پراگماتیسم نامید. اصل پراگماتیکی بخشی از نظریه تحقیق پیرس است که ستون اصلی فلسفه او را تشکیل می‌دهد و منادی روش تفکر جدید در عالم فلسفه است. کارکرد اصل پراگماتیکی این است که از طریق آن معنادار بودن گزاره‌ها و مفاهیم استدلال‌ها تشخیص داده می‌شود. هدف آن نیز روشن کردن مسائل سنتی مابعدالطبیعه و در بعضی موارد تعیین بی‌معنا بودن آن‌هاست. پیرس این اصل را روش تعیین معنای مفاهیم معقول و «کلمات غیرقابل درک و مفاهیم انتزاعی» می‌داند. پراگماتیسم در نظر پیرس «نظریه معنا»^{۱۷} است. پیرس قصد دارد روشن کند که چگونه می‌توانیم به تصورات واضح دست یابیم؛ زیرا وضوح فکر برای دانستن معنای واقعی کلمات، الفاظ و جملاتی که در زبان عادی یا علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضرورت دارد. تصورات واضح برای رفع بسیاری از معضلات فلسفه که فقط در ظاهر به صورت معضل مطرح می‌شوند و در واقع اختلافات لفظی بیش نیستند، کاربرد دارد (زندیه، ۱۳۹۷: ۲۶ و ۲۷).

پراگماتیسم به گفته پیرس، نوعی روش شناخت^{۱۸} است؛ یعنی یک جهان‌بینی نیست بلکه روش تأملی است که هدفش روشن‌نگری تصورات^{۱۹} است. از این رو برخلاف عقیده افرادی چون راسل پراگماتیسم را تعریف جدیدی از حقیقت می‌داند و یا کاپلستون که معتقد است جوهر پراگماتیسم در نظریه معنی نهفته است نه در نظریه حقیقت؛ پیرس پراگماتیسم خود را نه نظریه‌ای در مورد حقیقت و نه حتی نظریه‌ای درباره معنا می‌دانست، بلکه فقط به‌عنوان معیاری می‌دانست که با استفاده از آن محققین می‌توانند معنای واژه‌هایی را که در جهت کشف حقایق مربوط به امور واقع و بخصوص قوانین مربوطه به کار می‌برند، برای خود روشن‌تر سازند. چنانچه عامل جدایی پیرس از ویلیام جیمز و تغییر نظریه‌اش به پراگماتیسم نیز همین انتقال مفهوم اثرات و پیامدها به داخل نظریه حقیقت و در واقع تبدیل پراگماتیسم به نظریه حقیقت بود (نوروزی و شهریاری، ۱۳۹۵: ۴۷ و ۴۸).

درواقع پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه‌ای عمل‌گرایانه و واقع‌نگرانه از اهمیت زیادی برخوردار است و شکل‌گیری آن در تقابل با رویه‌های ذهن‌گرایانه فلسفی صورت پذیرفت، به‌جای توجه به اهداف کلی، دوردست و ذهنی، اهدافی را ترسیم می‌کند که بتوانند عملاً مورد اجرا قرار گیرند و در حل مشکلات مؤثر باشند (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳) به‌طور کلی اصول محوری پراگماتیسم در جدول ۱ نشان داده شده است.

16. Pragmatic Maxim

17. Theory of meaning

18. Methodic

19. Ideas clear

جدول ۱: اصول محوری پراگماتیسم

مشخصات	اصل
طبق این اصل هرگونه امور فوق طبیعی یا دخالت نیروهای فوق طبیعی انکار و طبیعت برابر وجود در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر، به دلیل آنکه طبیعت، قلمرو تجربه است، طبیعت‌گرایی ملازم تجربه‌گرایی است. لذا طبق نظرگاه فلاسفه عمل‌گرا، تجربه اصل واقع می‌شود.	طبیعت‌گرایی ^{۲۰}
این اصطلاح، به یک معنا معادل پراگماتیسم است و به‌عنوان یک اصل، موردقبول تمامی پراگماتیست‌هاست (به‌استثنای پیرس) ابزارانگاری به این معناست که لازم است تفکر، پدیده‌ها و نظریه‌ها به‌عنوان ابزاری جهت تطابق ارگانیسم با محیط تفسیر شود و میزان سنجش آن، مرجعیت دادن انسان و تأکید بر عقل ابزاری است.	ابزارانگاری ^{۲۱}
بر طبق این اصل باید نتیجه یا سود پایان عمل را لحاظ کرد. بدین معنا حقیقت ثابتی وجود ندارد؛ یعنی جریان امور طبق صورت منطقی پیش نمی‌رود، بلکه انسان ابتدا نتیجه را در نظر می‌گیرد و برای آن مقدماتی فراهم می‌آورد تا آن نتیجه را تأمین نماید. با این نگاه، اصولاً هیچ‌گونه دیدگاه واحدی وجود نخواهد داشت و در همه ابعاد و به تعداد انسان‌ها حقیقت متکثر خواهد شد. بنابراین، نسبی‌گرایی و فردگرایی نیز از آثار این دیدگاه و جزو اصول اولیه پراگماتیسم است.	اصالت منفعت ^{۲۲}
طرفداران پراگماتیسم، روش علمی را در عرصه‌های روانشناسی، تعلیم و تربیت و نیز علوم اجتماعی در حوزه تجربه انسانی گسترانیده‌اند. بدیهی است که ملاک صحت و استعمال این روش منوط به کاربردی بودن، رضایت‌بخش بودن، نتیجه آور بودن و مفید بودن در مقام عمل است و این‌همه مزایایی است که روش علمی دارد.	علم‌گرایی ^{۲۳}

مأخذ: (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳ و ۱۴)

ظهور پراگماتیسم را می‌توان به دو دوره تاریخی تقسیم‌بندی کرد: دوره نخست در فاصله سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۹۳۰ و دوره دوم در طول دهه ۱۹۶۰ که به دوره نوپراگماتیسم موسوم بوده - و این مکتب را به یک نوع فلسفه، روش تحقیق و نیز دارای ابعاد مذهبی، سیاسی و زیبایی‌شناختی تبدیل کرد - توسعه یافت. پراگماتیست‌های اولیه تحت تأثیر سنت‌های عمده فلسفه بریتانیایی و قاره‌ای بودند. گرچه نوپراگماتیست‌ها متأثر از پراگماتیست‌های اولیه بودند، اما نظریه‌های جدیدی را توسعه دادند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۵۰). این رویکرد از مکاتب و رویکردهای متعددی تأثیر پذیرفته است که در جدول ۲ به آن پرداخته شده است.

20. *Naturalism*

21. *Instrumentalism*

22. *Utilitarianism*

23. *Scientism*

جدول ۲: مکاتب و رویکردهای تأثیرگذار بر رویکرد پراگماتیسم

مکتب / رویکرد	توضیحات
تجربه‌گرایی بریتانیایی	این مکتب مخصوصاً بر جیمز تأثیر نهاد. از نظر پراگماتیسم‌ها تحقیق اجتماعی دارای ماهیتی تجربی است، اما نه به معنای خاص تجربه‌گرایی انگلیسی از تجربه، به نظر پیرس، تجربه‌گرایی انگلیسی گذشته‌نگر است، درحالی‌که پراگماتیسم به پدیده‌های پیامدی توجه دارد. با این حال، پراگماتیسم واحد اولیه تحلیل و توصیف، یعنی تجربه را از آن‌ها اخذ کرد.
فایده‌گرایی	توجه جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲)، جیمز میل (۱۷۷۳-۱۸۳۶) و جان استوارت میل (۱۸۰۸-۱۸۷۳) به مسائل اجتماعی و فرآیندهای تصمیم‌گیری عملی جهت حل مسائل اجتماعی الهام‌بخش پراگماتیسم‌ها بوده است تا جایی که ویلیام جیمز کتاب «پراگماتیسم» خود را به جان استوارت میل تقدیم کرد. پراگماتیسم‌ها اصل فایده عمل را از رویکرد فایده‌گرایانه میل اقتباس نمودند.
نظریه تکاملی	نظریه لامارک و داروین تأثیرهای ژرفی بر پیرس، دیویی، جیمز و بنتلی گذاشت. ایده اقتضای طبیعت و فردیت تقلیل‌ناپذیر انسان‌ها بنیانی برای بررسی‌های انسانی فراهم ساخت. پیرس نظریه تکاملی لامارک را پذیرفت، حال آنکه دیویی و جیمز پیرو ایده‌های داروین شدند. ایده‌های داروین درباره تکامل طبیعی بنیان روان‌شناسی پراگماتیستی و به‌ویژه رشد زبان‌شناختی را فراهم ساختند.
نواقع‌گرایی	این رویکرد که در فلسفه آمریکایی آن دوره غالب بود، پراگماتیسم‌ها را در جدال با ایدئالیسم و تأکید بر شرایط واقعی و رادیکال زندگی اجتماعی الهام بخشید. در این خصوص، جیمز مدعی شد که فلسفه وی باید واقع‌گرایی رادیکال تلقی شود.
فلسفه دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶) یا دکارتیسم	گرچه همه پراگماتیسم‌ها از منتقدان روش دکارتی بودند، اما اخیراً برنشتاین (۱۹۸۳) برخی ایده‌های دکارتی را پذیرفته است. عینی‌گرایی و نسبی‌گرایی دو مفهومی هستند که از مطالعه دقیق کارهای دکارت سرچشمه گرفته‌اند.
کانتیسم	پیرس مفهوم «استفهام» را از کانت اقتباس کرد. وی این مفهوم را جایگزین «تفهم» و «خرد» نمود. پیرس بر پیامدهای عملی تأکید داشت، حال آنکه کانت مدعی بود و تفاوت بین داعیه‌ها ناشی از درک و خرد است.
هگلسم	هگل بنیان‌های فلسفه ابزارگرایانه دیویی را پی‌ریزی کرد. وی به پراگماتیسم کمک کرد تا جبرگرایی را در مقابل نیروهای قدرتمند علم و کار به دور ریزند.

مأخذ: (محمدپور، ۱۳۸۹: ۵۰).

جغرافیا و پراگماتیسم

آیا پراگماتیسم در دهه‌های نخست قرن بیستم بر بیشتر تفکرات اجتماعی آمریکا حاکم بود؟ آیا جغرافیا از این جو مصون بود؟ در بیشتر قسمت‌ها، این سرزمین غیرقابل‌کشف است و خواستار بازنگری جغرافیای آمریکا در نیمه اول قرن بیستم است. اگر هیچ ارتباطی وجود نداشت، چرا این‌گونه بود؟ آیا این از نظر فضاها، مختلف فکری یا شبکه‌های جغرافیایی و نهادی بود؟ در حال حاضر تنها می‌توانیم چند ارتباط را ترسیم کنیم (Hepple, 2008: 1538).

پیروان مکتب پراگماتیسم، در جغرافیای کاربردی تأکید بیشتری در زمینه جغرافیای انسانی دارند. امری که جغرافیدانان مکتب فرانسه به‌ویژه ویدال دولابلاش نیز بدان معتقد بوده‌اند، که طرز تفکر ما عمل را تعیین می‌کند. بنابراین در مکتب پراگماتیسم، جغرافیای کاربردی موارد زیر را به دنبال دارد:

- فضای جغرافیایی به موازات تغییر و تحول علم ما تغییرپذیر خواهد بود؛
- فضای جغرافیایی در اثر حل عملی مسائل انسانی ساخته شده و دوباره ساخته می‌شود؛
- هر فضای جغرافیایی به‌مثابه تجلیگاه همه عوامل انسانی در طول زمان است؛
- حقیقت فضای زندگی از ترکیب تجربیات انسانی به دست آمده است؛
- مطالعات جغرافیایی، با مسائل عملی انسانی در فضای انسانی سروکار دارد؛
- مسائل جغرافیایی را می‌توان به نحو مطلوبی از طریق بهره‌گیری از روش علمی قیاسی بررسی کرد؛ و
- فضای جغرافیایی از پرتو معرفت، دانش و خطا ترکیب شده است (حاتمی نژاد و اکبرپور، ۱۳۹۰: ۲۸).

پراگماتیسم در سال‌های اخیر مورد توجه جغرافیایی قرار گرفته و ظهور مجدد آن در صحنه انضباطی نظم‌دهنده^{۲۴} نتیجه سؤالات نظری و سیاسی است که محققان تعدادی از رشته‌های مختلف (مثلاً جغرافیای اقتصادی، سیاسی و بهداشتی) را به سوی خود سوق داده است تا نظریه کثرت‌گرایی دانش خود را با هستی‌شناسی مشروط از نظر جغرافیایی و تاریخی حقیقت و تأکید بر خلاقیت انسانی و امکان دموکراتیک در آغوش بگیرد. عمل‌گرایی مبتنی بر یک تئوری ابزاری برای دانش است که اعتبار حقیقت - خواه علمی، اخلاقی یا سیاسی - را در سودمندی ایده‌ها برای حل مشکلات انسانی تکیه می‌کند. پراگماتیسم منشأ نقد زیربنای متافیزیکی بود فلسفه و فرار از مشکلات عملی مدرن که دیویی در مقاله مهم خود، «نیاز به بازگرداندن فلسفه» دارد و دوباره سؤالات فلسفی را نسبت به معاصر آغاز می‌کند (Hossler & Jenness, 2019: ۲۳).

آلن^{۲۵} (۲۰۰۸) می‌گوید: می‌خواهم این را مطرح کنم که جغرافیا به همان اندازه که در عمل است، در درک ما از قدرت سهم بسیاری دارد. ورودی روشنفکرانه تنها یک راه نیست که جغرافیدانان قدردان دانش به‌دست‌آمده از یک فلسفه واقع‌گرایانه که اخیراً دوباره احیا شده‌اند، هستند. فکر می‌کنم فضا یا به‌عبارت‌دیگر فضایی بودن بخشی از شیوه‌های اعمال قدرت است و درک شخصیت قاطع آن به این واقعیت که قدرت ذاتاً فضایی است مدیون است. وی به نقش قدرت اشاره کرده و استدلال می‌کند با این وجود، فرصتی برای بحث و گفتگو در مورد این موضوع تا حدودی مانع این واقعیت است که به نظر می‌رسد در اندیشه عمل‌گرایانه، چه کلاسیک و چه معاصر، قدرت نقش مهمی را نادیده گرفته است و ویرانی‌های یک جنگ داخلی بی‌رحمانه و نیروهای یکپارچه سرمایه‌داری صنعتی در اواخر قرن نوزدهم در آمریکا عمیقاً توسط ویلیام جیمز و جان دیویی احساس می‌شد، دومی یکی از بازیگران سیاسی بسیار آشکار در سنت پراگماتیستی است اما هنوز راه تحلیلی پایدار از بلوک‌های قدرت اقتصادی و سیاسی که آرزوهای دموکراتیک آن‌ها برای یک آمریکای شمالی مدرن و

²⁴. *disciplinary scene*

²⁵. *John Allen*

لیبرال را ناامید کرده، فراهم نشده است (Allen, 2008: 1613). برانز^{۲۶} (۲۰۰۸) ادعا می‌کند عمل‌گرایی می‌تواند از جهات دیگری نیز دارای ارزش باشد. باین‌حال، این روش‌های دیگر نباید شامل راهبردی باشد که جغرافیدانان در گذشته گاه هنگام وارد کردن فلسفه‌های موجود در رشته خود قرار گرفته‌اند. یعنی فراهم کردن سخت‌افزارهای جدید فلسفی در داخل موضوع. پراگماتیسم ممکن است برای جغرافیا مفید باشد، اما نه با پاسخ دادن به تمام سؤالات خود پیش از زمان، یا با گسترش فرا فلسفه انضباطی یا با ارائه یک روش اشتباه. وی از قول مناند^{۲۷} می‌نویسد عمل‌گرایی به جای اینکه یک «ایده بزرگ» معمولی باشد، در عوض «ایده‌ای در مورد ایده‌ها» است. این وسیله‌ای برای تولید یک جغرافیای عمل‌گرا نیست بلکه ابزاری برای تفکر است (Barnes, 2008: 1551). وقتی جغرافیدانان ایده‌های جغرافیایی مانند مکان، فضا، چشم‌انداز و منطقه را به کار می‌بندند، باید به دنبال درک عمل‌گرایی باشند:

- به‌عنوان ابزار، ابزاری برای دستیابی به اهداف خاص و سؤال کنید که آیا آن‌ها بهترین ابزار برای اهداف موردنظر هستند؟
- به‌عنوان کسب مشروعیت از جامعه بزرگ‌تری که در آن ارائه می‌شود و بنابراین بستگی به بستر استفاده آن‌ها دارد؛
- مثل همیشه موقت، بدون قطع و یقین و بالقوه در معرض تغییر مشروط؛
- به‌عنوان فرصتی برای آزمایش و نه فقط به خاطر آزمایش، بلکه به امید تحقق دنیای بهتر؛ و
- به‌صورت نامرتب، آشفته، هرگز به‌طور کامل باهم هماهنگ نشوند، یا ثبت همه چیز (Menand, 2001: ۳۵۰).

در سال ۱۹۸۴ اسمیت عنوان کرد که در سال‌های اخیر، عمل‌گرایی فلسفی به‌طور فزاینده‌ای در مطالعات بخش دولتی به‌منظور کمک به تبیین و معقول ساختن یک جهان به‌طور فزاینده پیچیده و چند مقیاس و «ارائه برخی از دستورالعمل‌های الهام‌بخش برای تمرین جغرافیای اومانستی» مورد استفاده قرار گرفته است (Smith, 1984, p. 353). در ادامه بحث در خصوص جغرافیای حقوقی نیز باید گفت پراگماتیسم و کاربردپذیری، به‌طور متفاوتی از بازنگری در قانون و فضا به‌عنوان کارهای گفتمان، مادی، اجرا شده و زمانی که در روزمره مشاهده می‌شود، خبر داده است. به دنبال جان دیوی، بلوملی (۲۰۱۴) توضیح می‌دهد که موضوع، مفاهیم و اشیاء به‌صورت پیشینی وجود ندارند، بلکه فقط از طریق یک روش عملی به نام عادت به وجود می‌آیند. عمل‌گرایی به همان اندازه که عادات با عادت مشابه است، عمل‌گرایی را به‌وضوح به نگرانی‌های اساسی جغرافیای حقوقی می‌اندازد (Robertson, 2015: 141). نکته بعدی توجه به تاریخچه‌های آمیخته‌شده قبلی پراگماتیسم و جغرافیای آمریکایی است. روایت‌های تاریخی غالباً بخشی از بلاغت مباحثات فعلی را تشکیل می‌دهند. در برخی دیگر، چهره‌های کلیدی گذشته (برای مثال دیوی یا پارک) به‌عنوان پیشگام یا پیشرو سبک‌های کاری که امروزه مورد حمایت قرار می‌گیرند شناخته می‌شوند. نمونه خوبی از ارزش چنین کارهایی وجود دارد. وقتی رورتی

26. Trevor J. Barnes

27. Menand

مقاله مهم خود را با عنوان «فمینیسم و پراگماتیسم» در سال ۱۹۹۱ نوشت، او به آنچه پراگماتیسم ممکن است برای فمینیسم ارائه دهد، متمرکز شد و از این لحاظ این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. برای رورتی،^{۲۸} این مشارکت کاملاً یک زمان حال و آینده بود و هیچ بحثی در مورد گذشته ممکن نبود. با این حال، مطالعه دقیق و دقیق شارلین سیگفرید^{۲۹} با تحقیق در مورد زنان در جنبش پراگماتیستی کلاسیک، زمینه‌ای غنی‌تر را باز کرد، یک بخش به‌طور مناسب با عنوان « ادعای میراث: زنان پراگماتیست»^{۳۰} و نگرش‌ها و اقدامات عمل‌گرایان مرد (Hepple, 2008: 1538).

پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه تحقیق

پیرس شیوه‌های متعددی برای انجام تحقیق پیشنهاد می‌دهد که هدف آن‌ها بازگرداندن باور داشته است. (محمدپور، ۱۳۸۹: ۷۷). وی این روش‌ها را چنین دسته‌بندی کرده است:

مشخصات	روش
این روش به یک اراده قوی و مصمم (خاص انسان‌های قدرتمند) منتهی می‌شود.	سرسختی ^{۳۱}
این روش بردگان روشنفکر را می‌سازد، اما امنیت را نیز به آن‌ها می‌دهد.	اقتداری ^{۳۲}
اندیشه را روشن و لذت‌بخش می‌کند.	مباحثه ^{۳۳}
به ما اطمینان می‌دهد که دستیابی به «حقیقت» امکان‌پذیر است.	پراگماتیست ^{۳۴}

(محمدپور، ۱۳۸۹: ۷۷).

از نظر پیرس انسان می‌تواند روش‌های فوق را به‌صورت مستقل یا ترکیبی به کار گیرد، اما روش برتر از نظر وی روش پراگماتیستی است. پیرس می‌خواست روش علمی را با «روش تجربه‌محور»^{۳۵} جایگزین کرده و آن را بخشی از پراگماتیسم خود سازد. وی برخلاف جیمز و دیویی معتقد بود که روش تحقیق مناسب باید کارپذیر بوده و با «بقای خارجی»^{۳۶} ما پیوند داشته باشد. پیرس برای توضیح و تقویت روش‌شناسی خود از روان‌شناسی بهره گرفته و مفهوم «تحریک شک»^{۳۷} را جهت استفاده محقق در جریان تحقیق اقتباس کرد. به نظر وی، تحقیق به باور منتهی می‌شود و باور نیز به عادات. روش

28. Rorty

29. Charlene Siegfried's

30. *Reclaiming a heritage: women pragmatists*

31. *The Method of Tenacity*

32. *The Method of Authority*

33. *The Method of Discussion*

34. *The Pragmatic Method*

35. *Experiential Method*

36. *External Permanency*

37. *Irritation of Doubt*

علم به دنبال بررسی شواهد است، درحالی که بررسی یا تحقیق در پی باورها است. از دیدگاه پیرس، این نادرست است که علم چون «راهنمای اجرا»^{۳۸} یا «ابزار نتایج علمی»^{۳۹} دیده شود. (محمدپور، ۱۳۸۹: ۷۷). پیرس در مقاله «چگونه تصوراتمان را واضح سازیم» نیز دریافتن معنای یک مفهوم را منوط به درک اثرات عملی شیء مورد تصور دانسته، چنانچه می‌گوید: برای تبیین یک مفهوم معقول، انسان باید در نظر آورد که چه پیامدهای عملی، بالضروره از صدق آن مفهوم ناشی خواهد شد، سپس کل این پیامدها کل معنای آن مفهوم خواهد بود (نوروزی و شهریاری، ۱۳۹۵: ۵۰).

چمبرلین^{۴۰} و «روش چندین فرضیه کار» در ژئومورفولوژی و زمین‌شناسی نیز ریشه در چشم‌انداز عملی داشت و بیشتر به پلورالیسم جیمز و ابزارگرایی دیوی پیوند داشت تا پیرس. همان‌طور که ادریکین^{۴۱} بیان می‌کند، چمبرلین با ارائه رویکردی که به شکل و مشاهده مستقیم ایجاد کند، اما مانع بیش‌ازحد آن نشود، سعی در جلوگیری از افراط و تفریط دانش‌های القایی و عقل‌گرایانه داشت. دیویس^{۴۲}، خالق چرخه ژئومورفیک تکامل شکل زمین، همچنین تحت تأثیر عمل‌گرایی در هاروارد بود و در سخنرانی‌های پیرس و رویس شرکت کرد. رویس^{۴۳} حتی در یکی از سمینارهای فلسفه خود مقاله‌ای از دیویس در مورد جغرافیا و روش‌شناسی علمی به کار برد. بازیابی فکری این ریشه‌های پراگماتیستی اکنون میراث و منبعی را فراهم می‌کند که در مباحث معاصر در مورد روش‌شناسی در جغرافیای فیزیکی و علوم محیطی مستقر می‌شود. همچنین می‌توان پیوندهای جالب عمل‌گرایانه هاروارد را در خارج از جغرافیای رسمی به منشأ حفاظت از محیط‌زیست ردیابی کرد. بتون مک‌کای، خالق «آپالچیان تریل»^{۴۴} در دهه ۱۹۲۰ و بنیان‌گذار «انجمن طبیعت بکر»^{۴۵} در هاروارد دانشجوی هردو استاد یعنی دیویس (که الهام‌بخش جغرافیای وی بود) و جوزیا رویس بود و دیدگاه‌های وی به شدت تحت تأثیر عمل‌گرایی رویس قرار گرفت (Hepple, 2008: 1536).

همان‌طور که گفته شد پراگماتیسم به گفته پیرس، نوعی روش شناخت^{۴۶} است؛ یعنی یک جهان‌بینی نیست بلکه روش تأملی است که هدفش روشنگری تصورات است. از این رو برخلاف عقیده افرادی چون راسل که پراگماتیسم را «تعریف جدیدی از حقیقت» می‌داند و یا کاپلستون که معتقد است جوهر پراگماتیسم در نظریه معنی نهفته است نه در نظریه حقیقت (نوروزی و شهریاری، ۱۳۹۵: ۶۰). باید اضافه کرد پیرس پراگماتیسم خود را نه نظریه‌ای در مورد حقیقت و نه حتی نظریه‌ای درباره معنا می‌دانست، بلکه فقط به‌عنوان معیاری می‌دانست که با استفاده از آن محققین می‌توانند معنای واژه‌هایی را که در جهت کشف حقایق مربوط به امور واقع و بخصوص قوانین مربوطه به کار می‌برند، برای خود روشن‌تر سازند (Shook & Margolis, 2006: 22). منظور پیرس از روش علمی همان روش تحقیق علمی است. این تحقیق و

38. Guide to Conduct

39. Instrument for a Practical End

40. Chamberlin

41. Entrikin

42. Davis

43. Royce

44. Appalachian Trail

45. Wilderness Society

46. Methodeutic

پژوهش چنانچه خود می‌گوید کوششی است که با شک آغاز می‌شود و با پایان یافتن شک و دستیابی به حالت عقیده پایان می‌یابد که در جدول ۳ به فرایند روش علمی از نظر پیرس پرداخته شده است.

جدول ۳: فرایند روش علمی از نظر پیرس

مرحله	مشخصات
حدس	این مرحله اولین مرحله استدلال علمی است که فرایند شکل‌گیری یک فرضیه می‌باشد. چنانچه پیرس می‌گوید حدس ما را متعهد به انجام هیچ چیزی نمی‌کند بلکه صرفاً فرضیه‌ای به وجود می‌آورد تا مکتوب شود و بتوان آن را در محک آزمایش قرار داد. اهمیت و نقش ویژه حدس در تثبیت عقیده است؛ چرا که اصل و اساس در تثبیت عقاید، کارایی حدس است تا یک طرحی را در یک پدیده حیرت‌آور جست‌وجو کند و یک فرضیه محتمل و قابل قبول را پیشنهاد دهد.
قیاس	بنا بر نظر پیرس قیاس به‌طور انحصاری به وضعیت ایدئال امور مرتبط می‌شود و فرضیه است که یک چنین وضعیت ایده آلی را از امور ارائه می‌دهد برای او قیاس یک شرط ضروری است اما شرط کافی دانش نیست. این مرحله از پژوهش که در آن پژوهشگر با استدلال، تعمیم و روشن ساختن رابطه فرضیه‌ها سروکار دارد، از دید پیرس بر دو نوع است؛ استنتاجی و برهانی.
استقراء	استقراء آخرین مرحله روش علمی است. منظور پیرس از استدلال استقرائی چنانچه خود می‌گوید جریانی از تحقیق تجربی است یعنی مشاهده، آزمایش و آزمون فرضیه.

مأخذ: (نوروزی و شهریاری، ۱۳۹۵: ۶۱-۵۹).

انتقادات وارد شده به پراگماتیسم

باین‌همه، تعیین فایده عملی به‌عنوان ملاک و محک صدق و حقایق معرفت‌ها، دچار چالش‌ها و نقدهایی است که به این ترتیب قابل ذکر هستند.

- سودمندی، کارآمدی، مفید بودن، صلاح عملی، مفاهیمی مبهم و کیفی‌اند و نظریه‌پردازان این تئوری، مانند پیرس، جیمز و دیوئی، مقصود دقیق خود را از این واژه‌ها مشخص نساخته‌اند. آیا منظور آن‌ها از این مفاهیم، تحقیق پذیری و ابطال‌ناپذیری گزاره‌هاست یا مطلق سودمندی و منفعت مدنظر است؟ بنابراین گزاره آزمون‌ناپذیر گرچه با ملاک‌های تجربی، تحقیق پذیر نباشد، اما اگر مفید باشد صحیح و حقیقی تلقی می‌گردد و اگر تنها کارآمدی علمی منظور باشد، تنها حقایق و بطلان گزاره‌های تجربی به دست می‌آید و تئوری پراگماتیسم در حقایق تجربی منحصر می‌شود؛ زیرا قضایای عقلی، تجربه‌پذیر نیستند؛

- اشکال دیگر نظریه صدق پراگماتیسم، تصادم میان منفعت‌ها و حقایق است. اگر حقیقت به معنای داشتن نفع عملی و فایده عملی در نظر گرفته شود، گاه حقیقت دانستن یک عقیده، مستلزم ابطال عقیده دیگری است که مشتمل بر نفع و فایده عملی است؛ و

- پراگماتیست‌ها در تعریف حقیقت به صلاحدید رفتار با ارضای خواهش محکوم روانشناسی و حاکمیت آن بر منطق و معرفت‌شناسی شده و به تعبیر راسل ملاحظات اخلاقی و روانشناسی را در مباحث منطقی قرار دادند (پناهی آزاد و احمدوند، ۱۳۹۲: ۷۲).

اگرچه پژوهش‌های فراوانی در خصوص مزیت نسبی راهبردهای پژوهش ترکیبی (آمیخته) صورت گرفته است. افرادی نیز وجود دارند که به‌طور قوی معتقدند که این دو رویکرد (کمی و کیفی) پژوهش جدا از هم هستند. درواقع دیدگاه‌هایی که این دو رویکرد را مقابل، متعارض و آرمان‌گرایانه تصور می‌کنند، به پیش‌فرض‌های پارادایمی این رویکردها رجوع دارند که بر اساس آن‌ها جای هیچ‌گونه همسازی بین آنان وجود ندارد. پیشگامان رویکرد سستی به‌طور محافظه‌کارانه‌ای معتقدند به لحاظ ارزشیابی، داده‌های جمع‌آوری شده به روش آمیخته نسبت به داده‌های جمع‌آوری شده به روش کمی در سطح پایین‌تری قرار دارند. نقطه مقابل این نظر نیز وجود دارد که در آن اعتقاد بر این است روش‌شناسی پژوهش باید با ویژگی منحصر به فرد شرایط و نیازهای مسئله مناسب شده باشد (نجفی اصل، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

روش‌شناسی تحقیق آمیخته (ترکیبی)

به زبان ساده، روش‌شناسی اصول یک پارادایم را به زبان تحقیق برگردانده و چگونگی توضیح و تبیین، دست‌کاری، موضع‌گیری و یا مطالعه از جهان را ارائه می‌کند. در به‌کارگیری مفهوم پارادایم اتفاق نظر وجود ندارد و بعضی از اندیشمندان این مفهوم را تحت عنوان روش‌شناسی و یا چشم‌انداز نظری یا کلیت فکری به کار می‌برند (ایمان، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۴). در جدول ۴ توصیفی اجمالی از پارادایم‌ها ارائه شده است.

جدول ۴: پارادایم‌های اصلی در علوم اجتماعی

انتقادی	تفسیری	اثباتی
جامعه‌شناسی اقتصادی	کنش متقابل نمادی	اثبات‌گرایی
مکتب تضاد	پدیدارشناسی	اثبات‌گرایی جدید
مارکسیسم	روش‌شناسی قومی	اثبات‌گرایی روش‌شناختی
فمینیسم	هرمنوتیک	اثبات‌گرایی منطقی
	روانکاوی	
	قوم‌شناسی	
	قوم‌نگاری	
	زبان‌شناسی اجتماعی	

مأخذ: (ایمان، ۱۳۹۰: ۴۹)

برخی محققان با بازخوانی کارهای پراگماتیست‌ها، به بازتعریف اصول پارادایمی پرداختند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۵۳۹). جانسون (۲۰۰۸) استدلال می‌کند چون پژوهش آمیخته حاصل ترکیب روش‌های کمی و کیفی می‌باشد، پارادایم آن نیز می‌باید هر دو نوع روش پژوهشی را پوشش دهد. برخی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند اساساً هیچ پارادایمی برای پژوهش آمیخته قابل دفاع نمی‌باشد، زیرا لازمه آن در کنار هم قرار گرفتن پارادایم‌های ناسازگار است که امری محال و توجیه‌ناپذیر است. اکثر پژوهشگران مناسب‌ترین پارادایم فلسفی برای روش آمیخته را پراگماتیسم یا مکتب اصالت عمل می‌دانند (۳۴: ۲۰۰۸، Johnson). کرسول پیشنهاد می‌کند پژوهشگران برای طراحی رویکردهای پژوهشی نیاز به چارچوبی دارند تا تمامی امور مربوط به مطالعات پژوهشی، از مبانی فلسفی گرفته تا بررسی مجموعه داده‌ها و تحلیل داده‌ها را در بر بگیرد (Creswell, 2004:6) بنابراین وی انواع پارادایم‌ها را به صورت زیر (جدول ۵) طبقه‌بندی می‌کند.

جدول ۵: انواع پارادایم‌های پژوهشی

انقضادی / تفسیرگرایی (حوزه پژوهش‌های کیفی)	پراگماتیسم (حوزه پژوهش‌های آمیخته)	فرا اثبات‌گرایی (حوزه پژوهش‌های کمی)	(حوزه پژوهش‌های کیفی)
واقعیات از نوع واقعیات اجتماعی	تعدد و یکتایی واقعیت	یکتایی واقعیت	تعدد واقعیت‌ها
تعاملی	عملی بودن	جدایی و بی‌طرفی	وابستگی
مبتنی بر ارزیابی‌های فردی و جمعی	مبتنی بر ارزش‌های متعدد	ارزش - آزاد (مبتنی بر مشاهدات تجربی)	مبتنی بر ارزیابی‌های فردی
استفاده از روش‌های مشارکتی	ترکیبی (استفاده از رویکردهای متعدد)	استقرائی (آزمون پیش فرض‌های اولیه)	قیاسی

مأخذ: (Creswell, 2004:6)

از دیدگاه پژوهشگر شیوه‌های ترکیبی، پراگماتیسم در را به روی شیوه‌های چندگانه، جهان‌بینی‌های متفاوت و پیش‌فرض‌های مختلف و همین‌طور شکل‌های مختلف گردآوری و تحلیل داده‌ها در مطالعه به اتکا شیوه‌های ترکیبی می‌گشاید (کرسول، ۱۳۹۵: ۳۳ و ۳۴). بنیان فلسفه پراگماتیسم تأکید بر این نکته است که در یک تحقیق، هر چیزی که کارا و مفید است به کاربرده شود. در نتیجه، محقق پراگماتیست سعی می‌کند شواهد و مدارکی ارائه دهد تا آنچه جان دیویی آن را استاندارد «اثبات‌پذیری تضمین‌شده» می‌خواند، برآورده سازد (Tashakkori & Teddlie, 2003: 124).

رویکرد شیوه‌های ترکیبی، رویکردی است که در آن پژوهشگر بر ادعاهای دانش مبتنی بر مبانی پراگماتیسم (نتیجه‌گرایی، مسئله محوری و کثرت‌گرایی) تأکید می‌کند (کرسول، ۱۳۹۵: ۴۴). هدف نهایی طرح‌های ترکیبی ارائه بینش چندوجهی است که آن را «فرا استنباط» می‌نامند. فرا استنباط عبارت است از استنباط یا استنتاج مبتنی بر ترکیب یافته‌های کمی و کیفی (Johnson & Christensen, 2008: 283). به‌طور خلاصه، پراگماتیسم در بازسازی نظریه و روش در علوم اجتماعی نقش بسیار کلیدی ایفا کرد که در نهایت به همگرایی پارادایمی، تلفیق روش‌شناسی‌ها و اجتناب از تعصب روش‌شناختی انجامید (محمدپور، ۱۳۹۰: ۵۶۶). هر دو پارادایم کمی و کیفی نقاط ضعفی دارند که توسط یکدیگر قابل جبران هستند؛ بنابراین، استفاده مکمل از رویکردهای کمی و کیفی طیف وسیع‌تری از دیدگاه‌های روش‌شناختی را پیش رو می‌نهد، اعتبار کلی نتایج تحقیق را افزایش می‌دهد و پژوهشگر را به شناخت واقعیت نزدیک‌تر می‌سازد (Bryman, 2006: 97). بدیهی است روش‌های ترکیبی به‌وضوح تقاضای استفاده و ادغام هر دو روش یا روش کیفی و کمی هستند (Tashakkori & Creswell, 2007: 207).

برخی پژوهشگران با مقایسه رویکردهای کمی و کیفی و مشخص شدن نقاط قوت و ضعف هر یک از آن‌ها در فرایند پژوهش، به این نتیجه رسیدند که ترکیب کردن این دو رویکرد شناخت بهتری از مسئله ارائه می‌دهد. پژوهشگران اغلب در پژوهش‌های خود، داده‌های تجربی را به‌صورت نظام‌مند گردآوری کرده و الگوهای موجود در این داده‌ها را به‌دقت موردبررسی قرار می‌دهند تا به تبیین رفتار از منظر آن شاخه علمی بپردازند؛ بنابراین این دو رویکرد در یک پژوهش واحد مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. لذا رویکرد سوم روش‌شناسی مطرح شد. جانسون^{۴۹} و همکارانش رویکرد سوم روش‌شناسی را رویکرد آمیخته نام نهادند (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۴۳۳). روش‌های ترکیبی روشی برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و «مخلوط کردن» یا ادغام هر دو اطلاعات کمی و کیفی در یک مرحله از فرایند تحقیق در یک مطالعه واحد به‌منظور به دست آوردن درک بهتر از مشکل تحقیق می‌باشند (Ivankova & Creswell, 2006: 3).

به‌عنوان پارادایم پژوهش، روش پژوهش آمیخته، از دهه ۱۹۹۰ به بعد ظهور کرده و در کنار پارادایم‌های روش‌شناسی کمی و کیفی قرار گرفت. دنزین و لینکلن^{۵۰} (۲۰۰۵) به بررسی تاریخچه پیدایش روش پژوهش آمیخته پرداخته‌اند که در شکل ۲ نشان داده شده است.

48. Meta-Inference
49. Johnson
50. Denizen & Linkedin



شکل ۲: تلخیصی از پیوستار تاریخی روش پژوهش آمیخته (مأخذ: خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۴۳۵).

مطالعه ترکیبی یک پژوهشگر را قادر می‌سازد تا پدیده‌های پیچیده را به صورت کیفی و همچنین توضیح پدیده‌ها از طریق اعداد، نمودارها و تحلیل‌های آماری پایه توضیح دهد (Creswell, 1999: 455). فرض اصلی این رویکرد این است که هنگام ادغام روندهای آماری (داده‌های کمی) با تجربیات شخصی و روایت‌ها (داده‌های کیفی) توسط محقق، این نقاط قوت مشترک، در مقایسه با هر کدام از دو روش به صورت مجزا و به تنهایی، درک بهتری از سؤال پژوهش را فراهم می‌کند (کرسول، ۱۳۹۵: ۲۲). جدول ۶ سنخ‌شناسی تطبیقی طرح‌های تحقیق ترکیبی را نشان داده است.

جدول ۶: سنخ‌شناسی تطبیقی طرح‌های تحقیق ترکیبی

نوع طرح	کاربرد	اولویت	مرحله ترکیب داده‌های کمی و کیفی	استفاده از چهارچوب نظری	توضیحات
هم‌زمان - چند زاویه‌نگری	گردآوری هم‌زمان داده‌های کمی و کیفی	ترجیحاً مساوی	در مرحله تفسیر یا تحلیل داده‌ها	شاید داشته باشد	گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌های کمی و کیفی و تلفیق و مقایسه نتایج
هم‌زمان - لانه کرده	گردآوری هم‌زمان داده‌های کمی و کیفی	کمی یا کیفی	فقط در مرحله تحلیل داده‌ها	شاید داشته باشد	قرار دادن و تحلیل داده‌های کمی در طرح کیفی یا قرار دادن و تحلیل داده‌های کیفی در طرح کمی به‌طور هم‌زمان
هم‌زمان - تغییرپذیر	گردآوری هم‌زمان داده‌های کمی و کیفی	کمی، کیفی یا مساوی	معمولاً در مرحله تحلیل داده‌ها؛ اما می‌تواند در مرحله تفسیر هم باشد	قطعاً وجود دارد	تلفیق کمی و کیفی و سپس قرار دادن یکی از آن‌ها در درون دیگری و تحلیل نتایج
متوالی - تبیینی	کیفی دنبال شده با کمی	معمولاً کمی	فقط در مرحله تفسیر داده‌ها	شاید داشته باشد	گردآوری و تحلیل داده‌های کمی + گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی = تفسیر کل تحلیل‌ها
متوالی - اکتشافی	کیفی دنبال شده با کمی	معمولاً کیفی	فقط در مرحله تفسیر داده‌ها	شاید داشته باشد	گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی + گردآوری و تحلیل داده‌های کمی = تفسیر کل تحلیل‌ها
متوالی - تغییرپذیر	هم کمی دنبال شده با کیفی و هم کیفی دنبال شده با کمی	کمی، کیفی یا مساوی	فقط در مرحله تفسیر داده‌ها	قطعاً وجود دارد	گردآوری و تحلیل داده‌های کمی + گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی و یا برعکس = تفسیر کل تحلیل‌ها

مأخذ: (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۳).

اصل بنیادین روش ترکیبی استفاده از فن‌های کمی و کیفی در مراحل از تحقیق است که می‌تواند به شیوه متوالی، هم‌زمان و یا به صورت تغییرپذیر انجام گیرد، به گونه‌ای که دارای نقاط قوت مکملی و نقاط ضعف ناهمپوشان باشند. بر

اساس این روش‌شناسی، برای تفهیم هم‌زمان پیچیدگی‌ها، ابعاد، ساختار و اشکال پیچیده پدیده‌ها و واقعیات اجتماعی، استفاده از روش‌ها، نظریات و منابع داده‌ای گوناگون یک ضرورت هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۹۳ و ۱۹۴) که در ادامه به تبیین انواع استراتژی‌های شیوه‌های ترکیبی پرداخته شده است.

انواع استراتژی‌های شیوه آمیخته

تدوین‌کنندگان پژوهش‌نامه مقدماتی باید استراتژی خاص گردآوری داده که استفاده از آن را طرح‌ریزی می‌کنند، مشخص کنند. آن‌ها همچنین باید معیارهای انتخاب این استراتژی را مشخص کنند. نویسندگان اخیر، بر معیارهای انتخاب یک رویکرد شیوه‌های ترکیبی از بسیاری از مأخذ موجود در دسترس تأمل کرده‌اند. تعدادی از معیارها توسط مورگان (۱۹۹۸) مشخص شده، ولی سایرین نیز استانداردهای مهمی را اضافه کرده‌اند که باید در نظر گرفته شوند. ماتریس زیر (جدول ۷) نشان می‌دهد که چهار حالت تصمیم در انتخاب یک استراتژی پژوهش شیوه‌های ترکیبی دخیل هستند (کرسول، ۱۳۹۵: ۲۸۴ و ۲۸۵).

جدول ۷: گزینه‌های تصمیم برای تعیین استراتژی پژوهش شیوه‌های ترکیبی

نگاه نظری	ادغام کردن	اولویت‌دهی	اجرا
آشکار (تصریحی)	در مرحله گردآوری داده‌ها	مساوی	هم‌زمان بدون توالی
	در مرحله تحلیل داده‌ها	کیفی	متوالی - اول کیفی
غیر آشکار (ضمنی)	در مرحله تفسیر داده‌ها	کمی	متوالی - اول کمی
	با میزانی ترکیب		

مأخذ: (کرسول، ۱۳۹۵: ۲۸۵)

مسائل حل‌نشده مهم و جنبه‌های ناشناخته‌ای وجود دارد که باید موردبررسی قرار گیرد، علاوه بر مسئله اصلی تعریف ماهیت روش تحقیق ترکیبی است. مسئله دیگر این است که چگونه یک روش تحقیق ترکیبی را انجام دهیم که این یکی

از مهم‌ترین اهداف برای محققانی است که این روش را برای اولین بار انجام می‌دهند (Tashakkori & Creswell, ۲۰۰۷: ۴) که در تدوین یک طرح تحقیق با استفاده از روش آمیخته محقق باید ضرورت استفاده از هر دو نوع تحقیق کمی و کیفی را توجیه کند (Creswell, 2004: 7). مخلوط کردن داده‌ها (و به معنای بزرگ‌تر، مخلوط کردن مطالعات تحقیقاتی، تحلیل، تفسیر) در بهترین حالت دشوار است زمانی که در نظر گرفته شود که داده‌های کیفی شامل متن و تصاویر بوده و داده‌های کمی، اعداد باشد (Creswell, 2009: 207).

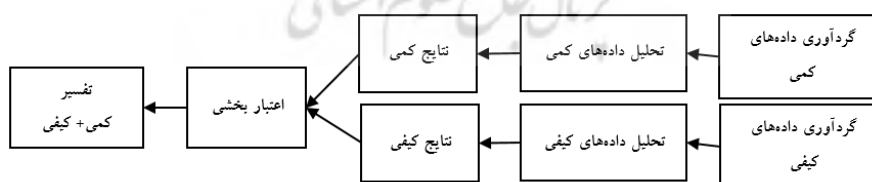
از آنجاکه در طراحی و اجرای طرح‌های تحقیق با روش‌های آمیخته از هر دو دسته روش تحقیق کمی و کیفی استفاده می‌شود، ویژگی‌های اصلی روش‌های تحقیق آمیخته متأثر از چگونگی استفاده از دو دسته روش‌های کمی و کیفی است. چگونگی استفاده از این دو دسته روش به ویژگی‌های زیر بستگی دارد: الف) میزان اولویت یا اهمیتی که به هر یک از دو دسته تحقیق کمی یا کیفی اختصاص می‌یابد، ب) چگونگی توالی استفاده از روش‌های تحقیق کمی و کیفی (بازرگان، ۱۳۸۷: ۲۳). بنابراین برای درک چگونگی و زمان ادغام داده‌ها، نخست باید چیزهایی در مورد انواع طرح‌های روش‌های آمیخته بدانیم. سه طرح پایه در پروژه‌های روش‌های آمیخته وجود دارد، همچنین سه طرح پیشرفته نیز به این طرح‌ها می‌تواند اضافه شوند. سه طرح پایه روش‌های آمیخته شامل موارد زیر است:

الف) طرح همگرا^{۵۱}

که هدف محقق گردآوری هر دو دسته داده‌های کیفی و کمی، تجزیه و تحلیل هر دو مجموعه داده‌ها و سپس ادغام نتایج دو مجموعه از تجزیه و تحلیل‌ها با هدف مقایسه (اعتبارسنجی یک دسته از نتایج با دسته دیگر) است (کرسول، ۱۳۹۵: ۵۸).

طرح همگرا شامل گردآوری و تجزیه و تحلیل مجزای داده‌های کیفی و کمی است. هدف آن ادغام نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و کمی است.

شکل ۳ دیاگرامی ساده برای یک طرح همگرا را نشان می‌دهد.



شکل ۳: طرح همگرا (مأخذ: خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۴۴۲)

⁵¹. Convergent design

ب) طرح متوالی تبیینی^{۵۲}

هدف از آن، نخست استفاده از روش‌های کمی و سپس استفاده از روش‌های کیفی برای کمک به توضیح نتایج کمی با تفصیل بیشتر است. این طرح، یک طرح ساده و سراسر است؛

هدف طرح متوالی تبیینی شروع کار با یک رشته کمی و سپس انجام یک رشته کیفی برای تبیین نتایج کمی است.

شکل ۴ دیاگرام ساده‌ای از روندهای یک طرح دومارحله‌ای متوالی تبیینی را نشان می‌دهد.



شکل ۴: طرح متوالی تبیینی (مأخذ: استراوس، ۱۳۹۴: ۵۹)

ج) طرح متوالی اکتشافی^{۵۳}

که هدف از آن، نخست بررسی یک مسئله با روش‌های کیفی است زیرا سؤالات ممکن است مجهول باشند، جمعیت ممکن است مطالعه نشده باشند یا کمتر شناخته شده باشند، یا اینکه دسترسی به موقعیت مکانی ممکن است دشوار باشد. پس‌از این اکتشاف اولیه، محقق از یافته‌های کیفی برای ایجاد فاز دوم پروژه استفاده می‌کند. این فاز ممکن است شامل طراحی یک ابزار برای سنجش متغیرها در مطالعه باشد (کرسول، ۱۳۹۵: ۲۶).

هدف طرح متوالی اکتشافی، اکتشاف یک مشکل از طریق گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در مرحله نخست، سپس توسعه ابزار یا مداخله و در مرحله سوم یک فاز کمی است.

شکل ۴ دیاگرامی ساده برای یک طرح متوالی اکتشافی را نشان می‌دهد.

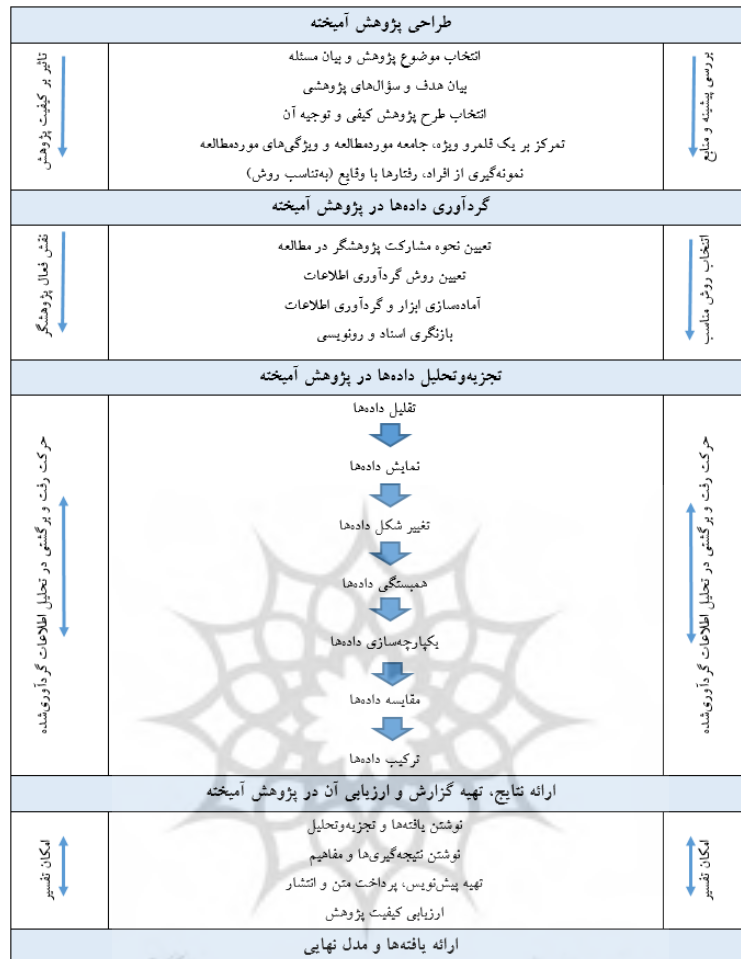


شکل ۲ طرح متوالی اکتشافی (مأخذ: کرسول، ۱۳۹۵: ۵۹)

⁵². Explanatory Sequential design

⁵³. Exploratory sequential design

پس از اینکه مراحل مختلف روش پژوهش آمیخته بیان شد در ادامه (شکل ۵) به مراحل اجرای طرح تحقیق آمیخته پرداخته شده است.



شکل ۵: گام‌های انجام طرح‌های تحقیق آمیخته مأخذ: (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۴۳۸)

انتقادات وارده به روش تحقیق آمیخته

- انتقادات زیر برای روش پژوهش آمیخته مطرح است:
- برای یک پژوهشگر، تنها استفاده از دو روش کمی و کیفی به خصوص زمانی که قرار است این دو روش به‌طور هم‌زمان به کار روند، دشوار است؛
 - پژوهشگر باید از روش‌های متعدد آگاهی داشته باشد و بداند چگونه به‌گونه‌ای مناسب آن‌ها را ترکیب کند؛
 - هزینه‌بر و زمان‌بر است؛
 - امکان سطحی شدن پژوهش وجود دارد؛

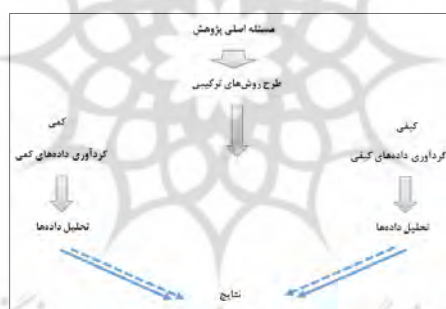
- کاربرد روش‌های ترکیبی همیشه سودمند نیست و گاه به‌جای کاربرد یک روش برای از بین بردن ضعف روش دیگر بهتر است از شیوه‌های دیگری از همان روش برای از بین بردن ضعف‌های آن روش استفاده کنیم؛ و
- این روش‌ها در همه انواع موضوعات کارآمدی ندارد و بنابراین پیشنهاد این است که با توجه به موضوع و مسئله موردبررسی از روش مناسب برای بررسی دقیق و عمیق مسئله موردنظر بهره‌گرفت (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۴۶۰).

خلاصه‌ای از نمونه پژوهش انجام‌شده با روش آمیخته

به‌عنوان یک نمونه از پژوهش‌های روستایی انجام‌شده با استفاده از روش آمیخته، مقاله زیر که توسط خالقی و همکاران (۱۳۹۸) انجام شده، به‌طور خلاصه ارائه می‌گردد.

«آسیب‌شناسی پیامدهای توسعه در مناطق روستایی با روش آمیخته (مورد مطالعه: شهرستان ورزقان)»

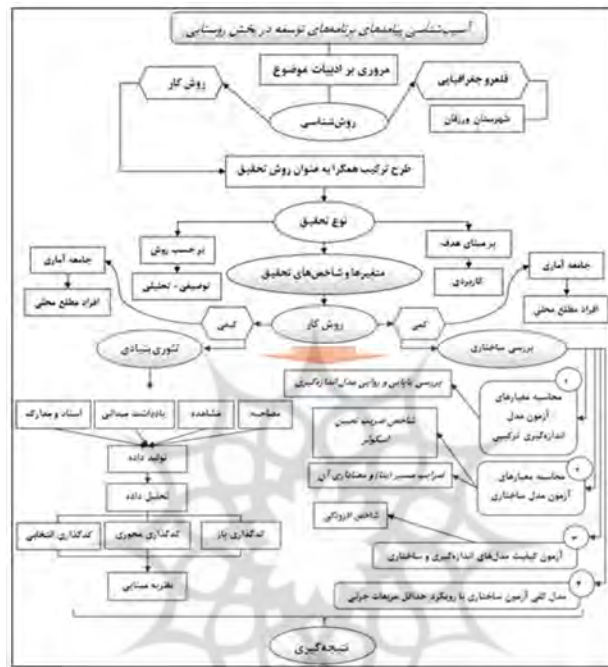
تحقیق حاضر به آسیب‌شناسی پیامدهای توسعه در بخش روستایی شهرستان ورزقان با روش آمیخته (کمی- کیفی، به شیوه همگرا) (شکل ۶) پرداخته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شکل ۶: طرح همگرای استفاده شده در تحقیق

از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی-تحلیلی است. به لحاظ گردآوری داده‌ها، از نوع ترکیبی (آمیخته) بوده و بنیان فلسفی آن مبتنی بر رویکرد پراگماتیسم است. شکل ۷ مدل تحلیلی تحقیق را نشان می‌دهد.

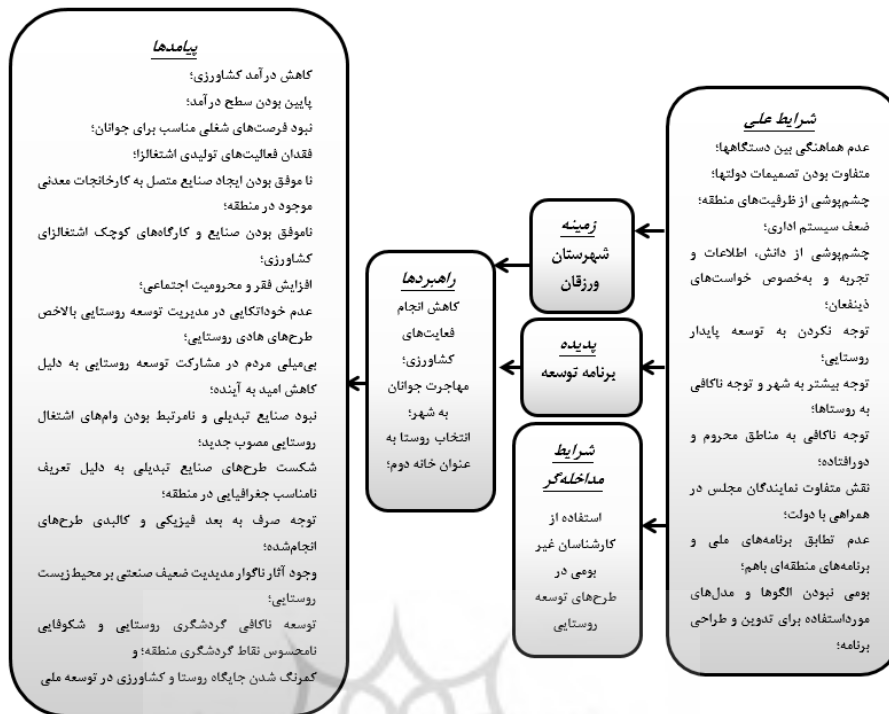


شکل ۷: مدل تحلیلی تحقیق

در بحث کیفی از شیوه گراند تئوری و در بخش کمی از معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است که مدل تحلیلی آن در شکل ۶ نشان داده شده است.

الف) یافته‌های کیفی: بررسی زمینه‌ای پیامدهای برنامه‌های توسعه در بخش روستایی

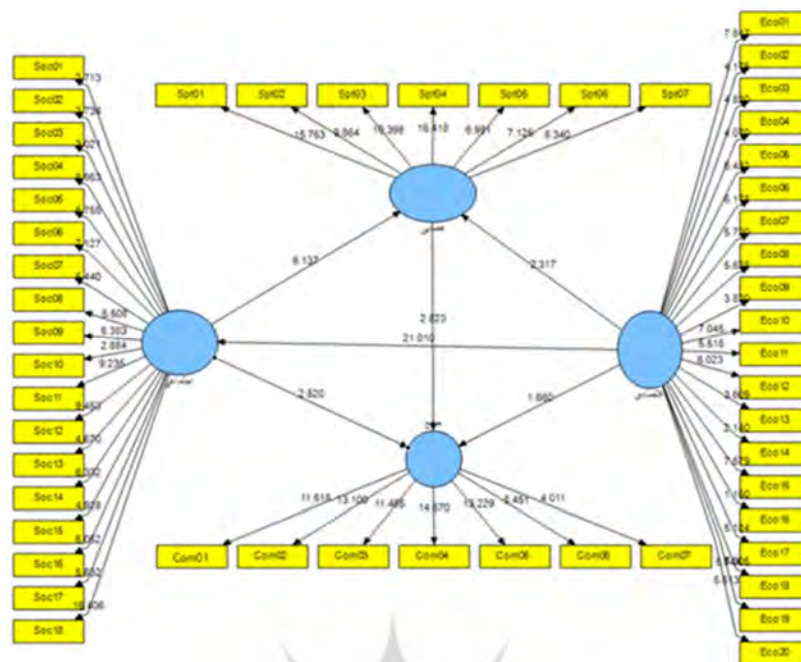
با استفاده از روش نظریه بنیانی داده‌های لازم جمع‌آوری شده، مفاهیم و مقوله ساخته شده و «برنامه‌های توسعه» به دلیل تکرار به عنوان پدیده اصلی انتخاب و مدل پارادایمی زیر (شکل ۸) تدوین شده است.



شکل ۸: مدل پارادایمی پدیده آسیب‌های برنامه‌های توسعه روستایی

ب) یافته‌های کمی: بررسی ساختاری پیامدهای برنامه‌های توسعه روستایی برای دسترسی به ضرایب مسیر، معناداری، آزمون مدل اندازه‌گیری، آزمون مدل ساختاری و همچنین بررسی کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری (بیرونی) و مدل ساختاری (درونی) مدل ترسیم‌شده را به کمک داده‌های آماری وارد شده از طریق الگوریتم‌های ذیل محاسبه نموده‌اند.

- دستور *PLS* (بررسی پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری)؛ مطالعات فرضی
 - دستور *BT* (آزمون مدل ساختاری)؛ و
 - دستور *BF* (آزمون کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری).
- در بخش کمی به بررسی تحلیل مسیر و بررسی وزن‌های عاملی متغیرهای مشاهده‌پذیر پرداخته شده و مدل نهایی (شکل ۹) آورده شده است.



شکل ۹: بررسی وزن‌های عاملی متغیرهای مشاهده‌پذیر

و در نهایت به مقایسه و اعتبار سنجی نتایج روش‌های کمی و کیفی (جدول ۸) پرداخته شده است.

جدول ۸: مقایسه و اعتبار سنجی نتایج روش‌های کمی و کیفی

نتایج کیفی	نتایج کمی
<p>شرایط علی</p> <p>عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها، متفاوت بودن تصمیمات دولت‌ها، چشم‌پوشی از ظرفیت‌های منطقه، ضعف سیستم اداری و بومی نبودن لگوها و مدل‌های مورد استفاده برای تدوین و طراحی برنامه</p> <p>پیامدها</p> <p>نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان، فقدان فعالیت‌های تولیدی اشتغال‌زای، ناموفق بودن ایجاد صنایع متصل به کارخانجات معدنی موجود در منطقه، ناموفق بودن صنایع و کارگاه‌های کوچک اشتغال‌زای کشاورزی و افزایش فقر و محرومیت اجتماعی</p>	<p>مهم‌ترین پیامدهای کالبدی</p> <p>کاهش نگهداشت جمعیت؛ استقرار نامناسب صنایع تبدیلی؛ توجه صرف به بعد فیزیکی و کالبدی طرح‌های انجام‌شده؛</p> <p>مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی</p> <p>اختلاف میان کیفیت زندگی در شهر و روستا؛ افزایش دخالت دولت و دستگاه‌های اجرایی دولتی؛ کاهش مشارکت مردم در فرایند توسعه روستایی؛ نهادینه نشدن مشارکت نظام‌مند به دلیل ضعف در طراحی و به‌کارگیری الگویی بهینه در این زمینه</p> <p>مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی</p> <p>تقاضا برای غذا؛ کاهش درآمد کشاورزی؛ پایین بودن سطح درآمد و استفاده نامناسب از فناوری و مقرون‌به‌صرفه نبودن آن</p> <p>مهم‌ترین پیامدهای جامع</p> <p>توسعه ناکافی گردشگری روستایی؛ گسیختگی در سازمان فضایی فعالیت و اسکان در سطح ملی؛ عدم شناسایی مناطق توسعه‌نیافته و کم‌رنگ شدن؛ جایگاه روستا و کشاورزی در رویکرد توسعه ملی.</p>

مقایسه نتایج روش‌های کمی و کیفی نشان می‌دهد پیامدهایی که توسط جامعه محلی توسط بحث مشارکتی به روش کیفی، شناسایی و جمع‌آوری شده‌اند توسط نتایج حاصل از روش کمی و تحلیل آن به وسیله معادلات ساختاری، تأیید شدند لذا به‌طور کلی می‌توان گفت افزایش فقر و محرومیت اجتماعی مهم‌ترین پیامد آسیب‌های برنامه‌ریزی توسعه روستایی در شهرستان ورزقان است.

جمع‌بندی

از سال ۱۹۷۰ به بعد، نگرانی‌های عمده‌ای در مورد روش علمی و مکتب عمومی اندیشه علمی اجتماعی که اصطلاحاً «فرمالیسم» (اثبات‌گرایی، پسااثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی منطقی) خوانده می‌شود، پدید آمده است. در اواخر قرن ۱۹ یک روش فلسفی موسوم به پراگماتیسم در آمریکا توسط بعضی از متفکران (ویلیام جیمز، چالرز سندرس پیرس و جان دیویی) به ظهور رسید. به نظر این متفکران پراگماتیسم انقلابی است علیه ایدئالیسم و کاوش‌های عقلی محض که هیچ فایده‌ای برای انسان ندارد درحالی‌که این فلسفه روشی است در حل مسائل عقلی که می‌تواند در سیر ترقی انسان بسیار سودمند باشد. در واقع پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه‌ای عمل‌گرایانه و واقع‌نگرانه از اهمیت زیادی برخوردار است و شکل‌گیری آن در تقابل با رویه‌های ذهن‌گرایانه فلسفی صورت پذیرفت، به‌جای توجه به اهداف کلی، دوردست و ذهنی، اهدافی را ترسیم می‌کند که بتوانند عملاً مورد اجرا قرار گیرند و در حل مشکلات مؤثر باشند.

پراگماتیسم در سال‌های اخیر مورد توجه جغرافیایی قرار گرفته و ظهور مجدد آن در صحنه انضباطی نظم‌دهنده^{۵۴} نتیجه سؤالات نظری و سیاسی است که محققان تعدادی از رشته‌های مختلف (مثلاً جغرافیای اقتصادی، سیاسی و بهداشتی) را به سوی خود سوق داده است تا نظریه کثرت‌گرایی دانش خود را با هستی‌شناسی مشروط از نظر جغرافیایی و تاریخی حقیقت و تأکید بر خلاقیت انسانی و امکان دموکراتیک در آغوش بگیرد.

باید اضافه کرد پیرس پراگماتیسم خود را نه نظریه‌ای در مورد حقیقت و نه حتی نظریه‌ای درباره معنا می‌دانست، بلکه فقط به‌عنوان معیاری می‌دانست که با استفاده از آن محققین می‌توانند معنای واژه‌هایی را که در جهت کشف حقایق مربوط به امور واقع و بخصوص قوانین مربوطه به کار می‌برند، برای خود روشن‌تر سازند. اگرچه پژوهش‌های فراوانی در خصوص مزیت نسبی راهبردهای پژوهش ترکیبی (آمیخته) صورت گرفته است. افرادی نیز وجود دارند که به‌طور قوی معتقدند که این دو رویکرد (کمی و کیفی) پژوهش جدا از هم هستند. در واقع دیدگاه‌هایی که این دو رویکرد را مقابل، متعارض و آرمان‌گرایانه تصور می‌کنند، به پیش‌فرض‌های پارادایمی این رویکردها رجوع دارند که بر اساس آن‌ها جای هیچ‌گونه همسازی بین آنان وجود ندارد.

نهایت اینکه اگرچه پژوهش‌های فراوانی در خصوص مزیت نسبی راهبردهای پژوهش ترکیبی (آمیخته) صورت گرفته است. افرادی نیز وجود دارند که به‌طور قوی معتقدند که این دو رویکرد (کمی و کیفی) پژوهش جدا از هم هستند.

⁵⁴. *disciplinary scene*

درواقع دیدگاه‌هایی که این دو رویکرد را مقابل، متعارض و آرمان‌گرایانه تصور می‌کنند، به پیش‌فرض‌های پارادایمی این رویکردها رجوع دارند که بر اساس آن‌ها جای هیچ‌گونه همسازی بین آنان وجود ندارد.

منابع

- ۱) استراس، نسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ۲) ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، چاپ سوم.
- ۳) بازرگان هرندی، عباس (۱۳۸۷). روش تحقیق آمیخته رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت، دانش مدیریت، سال ۲۱، شماره ۸۱.
- ۴) پناهی آزاد، حسن و احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۲). تبیین و نقد پراگماتیسم، کلام اسلامی، شماره ۸۸، صص: ۵۹-۸۸.
- ۵) حاتمی نژاد، حسین؛ اکبریور سراسکانرود، محمد (۱۳۹۰). پراگماتیسم، اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۰، شماره ۷۹، صص: ۲۵-۳۰.
- ۶) خالقی، عقیل؛ صدرموسوی، میرستار؛ کریم زاده، حسین و آقاییاری هیر، محسن (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه در بخش روستایی با روش آمیخته (مورد مطالعه: شهرستان ورزقان)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص: ۱۶۳-۱۴۶.
- ۷) خنیفر، حسن و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، رویکردی نو و کاربردی، تهران: نگاه دانش.
- ۸) زندیه، عطیه (۱۳۹۷). اصل پراگماتیکی؛ عالی‌ترین مرحله وضوح در پراگماتیسم پیرس، فلسفه، شماره ۲، صص: ۳۳-۴۱.
- ۹) ضیایی، محمود؛ زندی، ابتهال؛ عباسپور، نیلوفر و عبدی، مرجان (۱۳۹۳). توسعه پایدار گردشگری از دیدگاه دو مکتب ایدئالیسم و پراگماتیسم، نشریه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، شماره ۸، صص: ۳۰-۱۱.
- ۱۰) کرسول، جان (۱۳۹۵). درآمدی بر پژوهش روش‌های آمیخته، ترجمه: مرتضی اکبری و راضیه اکبری، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ۱۱) محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- ۱۲) محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش در روش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- ۱۳) محمدپور، احمد (۱۳۸۹). طرح‌های تحقیق با روش‌های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش‌های فنی، مطالعات اجتماعی ایران سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، صص: ۱۴۱-۱۰۶.
- ۱۴) محمدپور، احمد (۱۳۸۹). فراروش (بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری)، تهران: جامعه‌شناسان.
- ۱۵) محمدپور، احمد؛ صادقی، رسول و رضایی، مهدی (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق ترکیبی به‌عنوان سومین جنبش روش‌شناختی: مبانی نظری و اصول عملی، جامعه‌شناسی کاربردی، صص: ۷۷-۱۰۰.

- ۱۶) محمدرضایی، محمد و عابدینی، عظیم (۱۳۹۱). نقد نگرش پراگماتیسم در تبیین ضرورت دین، قبسات، شماره ۶۷، صص: ۳۲-۵.
- ۱۷) مهدوی، ابوالقاسم و پاداش، حمید (۱۳۸۶). رسوخ پراگماتیسم در اقتصاد نهادگرا، دوفصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی، شماره ۸، صص: ۲۳۲-۲۰۸.
- ۱۸) نجفی اصل، زهره (۱۳۹۳). بهره‌گیری از روش تحقیق آمیخته در پروژه‌های توسعه روستایی (توریسم روستایی)، توسعه محلی، دوره ۶، شماره ۱، صص: ۱۶۶-۱۴۷.
- ۱۹) نوروزی، رضاعلی و شهریاری نیسیانی، شهناز (۱۳۹۵). واکاوی روش‌شناسی پیرس و بررسی سهم آن بر رویکردها و روش‌های پژوهش، حکمت معاصر (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، صص: ۶۸-۴۵.
- ۲۰) نوروزی، رضاعلی و شهریاری نیسیانی، شهناز (۱۳۹۵). واکاوی روش‌شناسی پیرس و بررسی سهم آن بر رویکردها و روش‌های پژوهش، حکمت معاصر، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، صص: ۶۸-۴۵.
- ۲۱) Allen, John (2008). *Pragmatism and power, or the power to make a difference in a radically contingent world*, *Geoforum*, Vol (39), Issue 4, Pages 1613-1624. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2007.06.004>.
- ۲۲) Barnes, Trevor. j (2008). *American pragmatism: Towards a geographical introduction*, *Geoforum*, Vol 39, Issue 4, Pages 1542-1554. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2007.02.013>.
- ۲۳) Bryman, A. (2006). *Integrating quantitative and qualitative research: how is it done? Qualitative Research*, 6(1), PP: 97-113. <https://doi.org/10.1177%2F1468794106058877>.
- ۲۴) Creswell J. W. (1999). Chapter 18 – *Mixed-Method Research: Introduction and Application*, *Handbook of Educational Policy*, A volume in *Educational Psychology*, pp. 455-472.
- ۲۵) Creswell J. W. (2004). *Designing a Mixed Methods Study in Primary Care*, *Ann FAM Med*. 2(1): 7-12.
- ۲۶) Creswell J. W. (2004). *Designing a Mixed Methods Study in Primary Care*, *Ann FAM Med*. 2(1): 7-12.
- ۲۷) Hepple, Leslie W. (2008). *Geography and the pragmatic tradition: The threefold engagement*, *Geoforum*, Vol 39, Issue 4, Pages 1530-1541. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2008.06.002>.
- ۲۸) Hossler, Peter & Jenness, Elilidh (2019). *I mean do we want just one theory of the universe?: A pragmatic reading of philanthropic foundations, problems and hope*, *Geoforum*, Vol (99), 22-31. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2018.12.004>.

- ۲۹) Johnson, B. & Christensen (2008). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*, 6th Edition, And Needham Heights: Allyn & Bacon.
- ۳۰) Jones, Owain (2008). *Stepping from the wreckage: Geography, pragmatism and anti-representational theory*, *Geoforum*, Vol 39, Issue 4, Pages 1600-1612. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2007.10.003>.
- ۳۱) Menand, Louis (2001). *The Metaphysical Club: A Story of Ideas in America*. Farar, Straus and Giroux, New York.
- ۳۲) Robertson, Sean (2015). *Natives making space: The Softwood Lumber dispute and the legal geographies of Indigenous property rights*, *Geoforum*, Vol 61, Pages 138-147. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2015.03.001>.
- ۳۳) Shook, John R. & Margolis, Joseph (2006). *A Companion to Pragmatism*. Blackwell Publishing.
- ۳۴) Smith, Susan.J., (1984). *Practicing humanistic geography*. *Annals of the Association of American Geographer* 74 (3), 353-374. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8306.1984.tb01460.x>.
- ۳۵) Tashakkori, A. & C. Teddlie (2003). *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, First Edition, Sage Publication Inc.
- ۳۶) Tashakkori, A. Creswell J. W. (2007). *Editorial: Exploring the Nature of Research Questions in Mixed Methods Research*, *Journal of Mixed Methods Research*, 1 (3), PP: 207- 211. <https://doi.org/10.1177%2F1558689807302814>.